

تأثیر مهاجرت افغان‌ها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان

محسن شاطریان: استادیار علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، ایران*
محمود گنجی‌پور: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه کاشان، ایران

چکیده

مهاجرت به مثابه ادامه منطقی توزیع و ترکیب نهایی و جابه‌جایی جمعیت در مکان جغرافیایی، مهمترین شکل تحرک مکانی جمعیت است. پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران، نیز یکی از اشکال مهاجرت است. سالیان درازی است که مهاجران افغانی در جای جای کشور سکونت دارند. هیچ استانی نیست که ساکنان آن با این مهاجران برخورد نداشته باشند و میان آنها مرادداتی صورت نگیرد. این روابط در بعضی جنبه‌ها چنان عمیق بوده که حتی در صورت بازگشت مهاجران به کشورشان، بازهم تا سالیان دراز اثراتی که از خود به جای گذاشته‌اند، از بین نخواهد رفت. در حال حاضر نزدیک به ۳ میلیون افغانی در ایران حضور دارند. جامعه آماری مورد بحث ۲۰ هزار نفر مهاجر افغان ساکن در شهر کاشان است که به صورت نمونه از حدود ۳۵۰ نفر افغانی پرسشنامه تکمیل گردید. داده‌ها با بهره‌گیری از آمارهای توصیفی به کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. نتایج نشان می‌دهد که مهاجرت افغان‌ها به شهر کاشان پیامدهای زیادی را در پی داشته است. یکی از این پیامدها تأثیرات اقتصادی مهاجران افغانی بر کاشان است. حضور مهاجران افغانی به علت بهره‌وری بالاتر و هزینه کمتر نسبت به نیروی بومی موجب کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش نرخ بیکاری در شهر کاشان شده است. همچنین خرید زمین و مسکن به وسیله مهاجران افغانی موجب کمبود مسکن و افزایش نرخ اجاره در سطح شهر می‌شود. از دیگر پیامدهای حضور مهاجران افغانی تأثیرات اجتماعی آنها بر شهر کاشان است. این پیامدها شامل افزایش جمعیت شهر کاشان، افزایش فقر و شکاف طبقاتی، افزایش نرخ بی‌سوادی و همچنین بحران هویت جمعی به علت ازدواج مهاجران با بانوان ایرانی است که دارای تبعات و پیامدهای منفی و خطرناکی است.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، افغان‌ها، کاشان، فقر، جمعیت

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

مهاجرت بین‌المللی پدیده‌ای است که به شکل‌ها و هدف‌های گوناگون انجام گرفته و محتمل است این روند پیوسته و به دلایل مختلف همچنان ادامه یابد. به طور کلی، مهاجرت تنها انتقال مردم از محلی به محل دیگر نیست، بلکه عنصر مهمی در زندگی اجتماعی است که برای درک و فهم دگرگونی مستمر در پدیده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع از اهمیت بسیار برخوردار است و لاجرم در بافت کلی جامعه مبدا و مقصد تغییرات مهمی ایجاد می‌کند (جرنی، ۱۳۶۷: ۵۸). مهاجرت اعم از درون مرزی یا برون مرزی، آثار گوناگونی بر مناطق مبدا و مقصد دارد و نه تنها به تغییر شیوه زندگی مهاجران و ذهنیت آنها می‌انجامد، بلکه در متابولیسم بدن آنها نیز تاثیر می‌گذارد. از این رو، مناطق مهاجرپذیر و مهاجر فرست، هیچ‌گاه نسبت به وضعیت پیش از شروع فرایند مهاجرت یکسان نمی‌ماند (ماهر، ۱۳۶۹: ۱۰).

به خاطر گستردگی مهاجرت در دنیای امروز، همه جوامع بشری به نحوی با چالش‌های مربوط به مهاجرت روبه‌رو هستند؛ به طوری که هیچ‌گاه مهاجرت در سطح بین‌المللی مانند پایان قرن بیستم و ابتدای هزاره جدید میلادی پویایی، وسعت، عمق و چالش را در بر نداشته است (Totomoren and Alicea, 2004: 15). طبق برخی آمارها، در حال حاضر در سراسر جهان ۱۷۵ میلیون مهاجر وجود دارد. از هر ۳۵ نفر یک نفر مهاجر است و مهاجران رقمی حدود

۳٪ از کل جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند (IMO, 2005: 375). از سال ۱۹۶۵ تا ۲۰۰۵ تعداد مهاجران دنیا دو برابر شده است (سجادپور، ۱۳۸۴: ۱۰). پدیده جهانی شدن مهاجرت را نیز در بر گرفته است. اما جهانی شدن مهاجرت افراد فقیر، کم مهارت و کسانی را که به خاطر شرایط سرکوب و خشونت مجبور به فرار از سرزمین خود می‌شوند، در بر نمی‌گیرد (Collinson, 1999: 3).

بی‌تردید، قسمت مهمی از تاریخ و تمدن کشور ما ره آورد مهاجرت‌ها و ساخته مهاجران است و حتی نام ایران نیز منسوب به قومی است که به گفته‌ای، در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد به این سرزمین مهاجرت کرده و در آن اسکان یافته‌اند، سلسله‌های متعددی را تشکیل داده‌اند و تمدنی را پایه‌گذاری کرده است که امروزه به عنوان یکی از قدیمیترین تمدن‌های انسانی شناخته می‌شود. تشکیل حکومتها و توسعه قلمرو آنها در ایران همواره با نوعی مهاجرت، جابه‌جایی و استقرار افراد در سرزمینهای جدید قرین بوده است (خباز بهشتی، ۱۳۸۰).

پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران، نیز یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که در دهه‌های اخیر روند صعودی داشته است و در طول سالهای ۲۰۰۲-۱۹۷۹ حدود ۳۰ درصد از جمعیت افغانستان کشور خود را ترک گفته‌اند (UNHCR, 2003: 23). مهاجرت افغان‌ها طی دو دهه گذشته، یکی از بزرگترین مهاجرت‌ها در طول سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بوده است (احمدی

¹ Globalization

موحد، ۱۳۸۲: ۲۶). این نوع مهاجرت از آن نظر که زاینده عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعددی است

قابل توجه است. در خصوص سرچشمه‌های اصلی این نوع مهاجرت، می‌توان به ساختار قدرت و روابط سیاسی - اجتماعی حاکم بر این کشور اشاره کرد. از این گذشته، کشور افغانستان در طول تاریخ خود، شاهد جنگها و درگیری‌های عدیده داخلی و خارجی بوده است. این امر خود در روند مهاجرت ساکنان این کشور موثر بوده است (وحیدی، ۱۳۶۴).

در حال حاضر، بیش از ۳ میلیون افغانی در ایران حضور دارند که حدود ۹۰۰ هزار نفر از آنان با مجوز قانونی و بیش از ۲ میلیون نفر از آنان به صورت غیر قانونی در ایران زندگی می‌کنند (روزنامه همشهری، ۱۳۸۵). جمعیت افغانستان ۲۴ میلیون نفر است که حدود ۱۲/۵ درصد از این جمعیت به صورت مجاز و غیر مجاز مقیم ایران هستند و روزانه به طور میانگین ۵ تا ۷ هزار افغانی به صورت غیر مجاز وارد ایران، شده و در مراکز مختلف مشغول به کار می‌شوند (روزنامه صدای عدالت، ۱۳۸۷). ۷۲ درصد مهاجران افغان در کارهای تخصصی، ۱۶ درصد در بخش کشاورزی و دامداری و ۱۲ درصد به عنوان کارگر ساده در ایران کار می‌کنند (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۷). نرخ بیکاری در بین پناهندگان افغان مقیم ایران ۶/۵ درصد است، در حالی که این نرخ در بین خود ایرانیان حدود ۱۰ درصد است (www. asriran. com).

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

برای روشن شدن اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق، لازم است تعدادی از پیامدهای مهاجرت افغانها به کشور را در این جا ذکر کنیم:

- کاهش ضریب امنیت شغلی نیروی کار داخلی و افزایش نرخ بیکاری؛

- تغییر فرهنگ کار و اشتغال در کشور؛

- افزایش میزان جرم و بزهکاری در کشور؛

- گسترش فقر و افزایش شکاف طبقاتی در کشور؛

- خروج سالانه میلیاردها دلار ارز توسط افغانی‌های غیرمجاز از کشور؛

- افزایش ازدواج‌های غیررسمی و غیرقانونی مهاجران با مردم بومی کشور.

بررسی این پیامدها شناخت تأثیرات مخرب سکونت افغان‌ها و جلوگیری از رشد و گسترش آن را ایجاب می‌کند. همچنین، تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزی از پیش‌اندیشیده برای جلوگیری از اثرات این مهاجرت‌ها از ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هم در سطح منطقه و هم در سطح کشور به حساب می‌آید.

۱-۳- سؤال و فرضیه

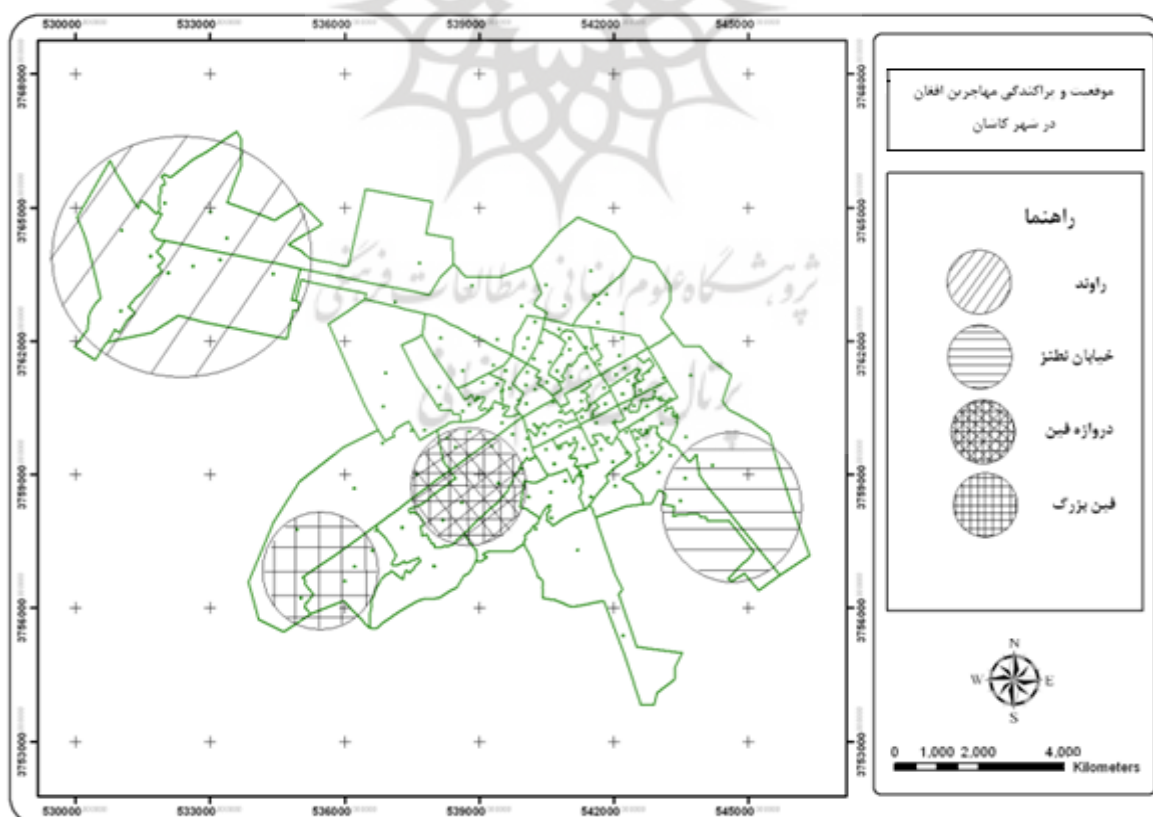
با توجه به موارد گفته شده، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا مهاجران افغانی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی شهرستان کاشان تاثیر داشته‌اند؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه مطرح می‌شود: مهاجران افغانی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی شهرستان کاشان تاثیر

۲۰ هزار نفر مهاجر افغان ساکن در شهر کاشان است. انتخاب حجم نمونه نیز به روش کوکران (Cochran) صورت گرفت (حافظ نیا، ۱۳۷۵: ۱۴۰). در این تحقیق تعداد نمونه ۳۵۰ نفر تعیین گردید. مطالعه میدانی در چندین منطقه شهر که بیشترین تعداد مهاجران افغان را در خود جای داده اند، گردآوری شده است. این مناطق شامل منطقه راوند، خیابان نطنز، فین بزرگ، دروازه فین و تعدادی هم از سایر مناطق شهر (خیابان کارگر، خیابان طالقانی، ...) است (نقشه شماره ۱). در نهایت، داده‌ها با بهره‌گیری از آمارهای توصیفی و درصد، با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

داشته‌اند. با توجه به سؤال مذکور این تحقیق تلاش می‌کند نشان دهد مهاجران افغانی ساکن بر شهرستان کاشان چه تاثیری در اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن داشته اند.

۱-۴- مواد و روش‌ها

تکنیک در نظر گرفته شده برای این پژوهش، روش تحقیق پیمایشی (Survey research) است که در آن، پس از تعیین جامعه مورد نظر، براساس روش نمونه‌گیری، حجم نمونه تعیین می‌شود. در این بررسی، علاوه بر اطلاعات کلی به دست آمده از سازمانها و مراکز مربوطه، پرسشنامه‌ای تهیه و از طریق مصاحبه حضوری تکمیل شده است. جامعه آماری مورد بحث



شکل شماره ۱- نقشه موقعیت شهر کاشان و محدوده‌های مورد مطالعه ماخذ: نگارندگان

۱-۵- شناخت منطقه مورد مطالعه

کاشان یکی از مهمترین شهرهای استان اصفهان است که دارای ۳ بخش و ۶۷ روستا است. فاصله این شهر تا تهران ۲۳۰ کیلومتر، تا قم ۹۵ کیلومتر و تا اصفهان ۲۰۲ کیلومتر است. کاشان، با قرار داشتن بر روی زنجیره بزرگ راه‌های کشور و واقع شدن بر سر راه اصلی ارتباطی شهرها و استان‌های شرقی و شمالی و غربی کشور، با شهرها و استان‌های مرکزی، جنوب و جنوب شرقی؛ دارای موقعیت ممتازی است. جمعیت تقریباً ۴۰۰۰۰۰ نفری شهر در مساحتی قریب به ۲۱۰۰ هکتار سکنی گزیده‌اند (شاطریان، ۱۳۸۸: ۳۱).

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

از لحاظ لغوی مهاجرت را به معنای ترک سرزمین اصلی و سکونت موقت یا دائم در سرزمین دیگری توصیف کرده‌اند (تقوی، ۱۳۷۱؛ شیخی، ۱۳۷۲). بنابراین، مهاجرت انسانها به سرزمین‌های دیگر، قدمتی به بلندی حیات بشری دارد. هنگامی که انسانهای گذشته، شرایط زندگی را در محیط خود نامساعد می‌یافتند، برای دستیابی به منافع جدید زندگی به مهاجرت اقدام می‌کردند (جمشیدیها، ۱۳۸۳: ۶۸). روند مهاجرت تا قبل از دوران مدرن و صنعتی شدن کشورها غالباً شکل یکسان داشته است، اما فرایند مهاجرت روزافزون روستاییان به سوی شهرها در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ زمینه ساز مطالعاتی در خصوص پیامدهای این گونه مهاجرت‌ها شد (Mobbrucker,

74: 1997). در این زمان، نظریه اکولوژی انسانی، مهاجرت را به مثابه یک پاسخ جمعیتی برای نیل به تعادل در بافت اکولوژیک می‌داند (Chandra, 1980). مدل اکولوژیک مهاجرت معتقد است که نرخ مهاجرت در میان نواحی جغرافیایی نتیجه مستقیم تفاوت مکانی - زمانی در فعالیت‌های معیشتی است (Cairn cross, 1980).

به موازات این مطالعات، انسان‌شناسان فرهنگی، تلاش خود را به شناخت آثار و پیامدهای مخرب فرهنگی مهاجرت و راهکارهای مناسب برای کاهش این مسائل معطوف کردند (Baker and Morrison, 1997). از سوی دیگر، جامعه‌شناسان، مهاجرت را برحسب زمان اقامت، مکان مهاجرت و زمینه‌های ذهنی و اراده فرد مهاجر تعریف می‌کنند (وحیدی، ۱۳۶۴: ۱۱؛ لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۳؛ ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۵؛ Bilborrow, 1984). در تعاریف اقتصادی مهاجرت، عمدتاً بر عوامل اقتصادی و خواست فردی مهاجر تاکید می‌شود (لوئیس، ۱۳۶۸: ۵۲؛ تودارو، ۱۳۶۴: ۱۰۲؛ Harris and Todaro, 1970).

تعاریف ارائه شده نشان دهنده گستردگی نظریات و دیدگاه‌های مربوط به مهاجرت است. مهمترین نظریات معروف در مورد مهاجرت به شرح زیر است:

۲-۱- نظریه کارکردگرایی مهاجرت^۱

این نظریه بر تبیین و دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. این نظریه در خصوص دلایل مهاجرت

عامل تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست است و از طرف دیگر، عامل ایجاد و تشدید نارضایتی‌های منطقه مهاجرپذیر است، زیرا با خروج مهاجران از منطقه، نیروی کار کاهش می‌یابد و برای آن ره حلی نیست، مگر اینکه تغییرات ریشه‌ای در ساخت کشورهای جهان سوم و ارتباط آنها با کشورهای توسعه یافته غرب اتفاق افتد (Portez, 1987؛ لهسائی زاده، ۱۳۶۸).

۲-۳- نظریه سیستمی مهاجرت^۲

در تلاش برای طرح نگرش جامع به مساله مهاجرت‌های بین‌المللی کورتیز^۳ و همکارانش به تلفیق و تکمیل دیدگاه‌های مختلف پرداخته و بر پویایی جریانهای مهاجرتی تاکید کرده‌اند. به نظر آنها مهاجرت‌های بین‌المللی که بین سرزمین‌های مبدا و مقصد مهاجرتی جریان می‌یابند، به طور تنگاتنگی با سایر حلقه‌هایی که در هم تنیده شده، سیستمی را به وجود می‌آورند، مهاجرت را شکل داده، به جریانی پویا و بالنده تبدیل می‌کنند، از نظر آنان ارتباط تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نه به شکلی ی تنها و جدا از هم بر مهاجرت تاثیر می‌گذارند، بلکه به عنوان مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر، بستر لازم را برای مبادلات مهاجرتی فراهم کرده آن را تداوم می‌بخشد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

اعتقاد دارد که در هر نظام بدون وجود پوشش‌های انسانی تعادل بر هم می‌خورد. مهاجرت عنصری الزامی جهت برقراری تعادل مجدد در جامعه است، از این جهت، مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات ایجاد شده بدل می‌گردد و از طرف دیگر، تعادل از دست رفته را به جامعه بر می‌گرداند. آنها بعد از تبیین علل مهاجرت و اعتقاد به کارکرد مثبت برای آن، به آثار مهاجرت بر ساخت مبدا، مقصد و وضعیت شخص مهاجر می‌پردازند. به اعتقاد این گروه، ساخت جامعه مقصد مهاجر را از ابتدا در خود جذب و سپس با خود همانند می‌گرداند. مهاجر بعد از همانند شدن به یگانگی با آن دست می‌یابد. بنابراین اعتقاد کارکردگرایان، نظام مقصد، نهایتاً مهاجر و نسلهای پاگرفته از آن را مانند اعضای دایمی خود با خصایص اقتصادی - اجتماعی می‌پذیرند. به طور کلی، آنها مهاجرت را عاملی مطمئن برای جلوگیری از آسیبهای اجتماعی ناشی از عدم تعادل در جامعه می‌دانند.

۲-۲- نظریه وابستگی مهاجرت^۱

پیروان نظریه وابستگی اعتقاد دارند مهاجرت معلول توسعه نابرابر است. از نظر معتقدان به این رویکرد، مهاجرت نه تنها شکل دهنده وابستگی کشورهای جهان سوم است، بلکه خود باعث تقویت وابستگی این کشورها نیز می‌شود. مهاجرت از طرفی

2 Migration Systemic Theory

3 Curtis

1 Migration Dependence Theory

۲-۴- نظریه جذب و دفع^۱

نظریه جذب و دفع که بر اساس کار هربل^۲ در اوایل دهه ۱۹۳۰ شکل گرفت، مهاجرت را ناشی از دو عامل می‌داند: الف) نیروی دافعه^۳؛ عواملی که سبب می‌شود فرد مکان زندگی خود را ترک کند امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد؛ ب) نیروی جاذبه^۴؛ عواملی که سبب می‌شوند فرد به سوی مکان دیگر جذب شود. مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست (Herbele, 1938، موبوگنج، ۱۳۶۸: ۱۶۹). در دیدگاه اخیر، نظریه اورت لی^۵ از جامعیت بیشتری برخوردار است، چرا که او علاوه بر عوامل مبدا و مقصد، به عوامل مداخله‌گر "عوامل شخصی" در مهاجرت توجه کرده است. تحت تاثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند (لی، ۱۳۶۸: ۶۱).

با توجه به نقش عوامل جاذبه و دافعه در مبدا و مقصد مهاجران، بوگ^۶ به سه مورد انگیزه مهاجرت (عوامل موثر در انتخاب مقصد و شرایط اجتماعی - اقتصادی موثر در مهاجرت) اشاره می‌کند. این عوامل به طور خلاصه عبارتند از:

- انگیزه‌های مهم مهاجرتی: تحصیلات، تاهل، عرضه مشاغل و فرصت‌های شغلی یا منابع درآمد، مهاجرت‌های ویژه، انتقال شغلی، دستمزد کم، بلایای طبیعی، آوارگی، هجوم و نفوذ بیگانگان، فشارهای سیاسی و نژادی و مذهبی، حرکت‌های اجباری و ...

- عوامل موثر در انتخاب مقصد: حضور وابستگان و دوستان و تمایل زندگی با آنها، عرضه شغل، جذابیت محیط، تسهیلات شغلی و ...

- شرایط اقتصادی - اجتماعی مؤثر در مهاجرت: سرمایه‌گذاری پر اهمیت و کساد یا بالا و پایین رفتن امور تجاری، تغییرات تاکتیکی، مقررات رفاه اجتماعی، سیاست‌های مهاجرتی، میزان پذیرش اقلیت‌ها در شکل‌های مختلف (مزیدی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

از سوی دیگر، بعضی دانشمندان معتقدند از دیدگاه نظری چهار عامل در تصمیم‌گیری برای مهاجرت مؤثرند: ۱- فشارهای اکولوژیک، ۲- عوامل ناهنجاری؛ ۳- انگیزه‌های اقتصادی؛ ۴- انگیزه‌های روانشناختی (Fawcett, 1982: 109؛ جلالیان، ۱۳۸۶: ۹۰).

مهاجرت افغان‌ها به کشورهای همسایه نوعی مهاجرت اضطراری یا اجباری ناسالم توأم با تخریب است. عامل اصلی این نوع مهاجرت، جنگ و ناآرامی‌های داخلی افغانستان و از سوی دیگر، ویژگی‌های جاذب مقصد (نزدیکی مکانی، اشتراک مذهبی و ...) است (بریگو و روا، ۱۳۶۷؛ محقق، ۱۳۷۷: ۹۷).

حال با توجه به مختصات مهاجرت افغان‌ها به ایران، از جمله: ۱- از نوع بین‌المللی بودن این

1 Pull and Push Theory
2Herbell
3Pushing Forces
4Pulling Forces
5 Everett lee
6bouge

پدیده مهاجرت، نظریه جذب و دفع قابلیت تطبیق بیشتری با این مهاجرت دارد (جمشیدیها، ۱۳۸۱: ۷۲).

مهاجرت؛ ۲- وجود مشکلات و دافعه‌ها در جامعه مبدأ؛ ۳- وجود جاذبه‌ها در جامعه مقصد، به نظر می‌رسد که از میان انواع نظریات ارائه شده در مورد



شکل شماره ۲- نمودار عوامل موثر در جذب و دفع مهاجران افغانی

جنایت و فعالیت‌های خارج از عرف و قانون، جامعه کنونی کشور را با چالش‌های اساسی و جدی روبه‌رو می‌کند (خیرخواه، ۱۳۸۶).

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۳-۱- توصیف داده‌ها

در شهرستان کاشان ۲۰ هزار مهاجر افغان زندگی می‌کنند که حدود ۱۶ هزار نفر از آنان به صورت

مهاجرت افغان‌ها به ایران غیر از مشکلات سیاسی ایجاد کرده است، در مورد مسائل اقتصادی نیز اگر چه مهاجرت به لحاظ اقتصادی برای کشورهای مهاجرپذیر معمولاً سود اقتصادی دارد، اما به دو دلیل ساده؛ یعنی بی‌برنامگی و از سویی بالا نبودن سطح تحصیلات و تخصص علمی مهاجران، نه تنها نمی‌تواند مثمر‌تر باشد (Teitelbaum and Winter, 1998) بلکه در ابعاد بازار اشتغال، ایجاد جرم و

(۱۴۷ نفر) سن ۴۱ سال به بالا دارند. اطلاعات فوق نشان می‌دهد که اکثر مهاجران افغانی را افراد بالای ۴۱ سال و میانسال تشکیل می‌دهند. اطلاعات مربوط به وضعیت تأهل مهاجران افغان نشان می‌دهد که حدود ۳/۴ درصد (۱۲ نفر) از افراد مورد بررسی در این تحقیق، مجرد و ۹۶/۶ درصد (۳۳۸ نفر) از این افراد متأهل هستند. در مورد جنسیت افراد شرکت کننده در تحقیق از ۳۵۰ نفر افغانی مورد بررسی ۹۷/۱ درصد مرد و ۲/۹ درصد زن هستند. این ترکیب نشان می‌دهد که درصد بالایی از مهاجران افغان، مردهایی هستند که بدون خانواده‌شان در ایران ساکن شده‌اند. پس به احتمال قوی مقدار قابل ملاحظه‌ای از درآمدشان را برای حمایت از خانواده به افغانستان می‌فرستند.

آمار مربوط به میزان تحصیلات افراد نشان می‌دهد که حدود ۴۸/۳ درصد؛ یعنی ۱۶۹ نفر از آنان بی‌سواد هستند و ۳۸/۳ درصد؛ یعنی ۱۳۴ نفر تحصیلات ابتدایی، ۸ درصد؛ یعنی ۲۸ نفر تحصیلات در سطح راهنمایی دارند و ۵/۴ درصد؛ یعنی ۱۹ نفر دیپلم به بالا هستند. آمار بالای تعداد بیسوادان در بین مهاجران افغان نشان دهنده سطح آگاهی و فرهنگ آنان است که این موضوع از نظر اجتماعی و فرهنگی تبعات منفی زیادی را برای جامعه کاشان در پی دارد.

بخش بسیار بزرگی از افغان‌های تحصیل کرده تمایلی به بازگشت به افغانستان نشان نمی‌دهند و از سوی دیگر، متأسفانه معلوم نیست که آیا کارهای که افغان‌های تحصیل کرده به آن مشغول هستند، با مهارت‌هایشان ارتباط دارد یا خیر. در مجموع، نقش افغان‌های تحصیل کرده، نه در اقتصاد ایران مشخص است نه در اقتصاد افغانستان. همچنین قابل توجه است که

قانونی و رسمی و ۴ هزار نفر هم به صورت غیر قانونی سکونت دارند. این مهاجران در سراسر سطح شهر پراکنده شده‌اند. مناطقی که بیشترین تعداد مهاجر افغانی را در خود جای داده است، به شرح زیر است:

از حدود ۳۰۰۰ نفر مهاجر افغان ساکن منطقه راوند، ۱۰۰ نفر بررسی شده‌اند.

از حدود ۲۰۰۰ نفر مهاجر افغان ساکن خیابان نطنز، ۵۰ نفر بررسی شده‌اند.

از حدود ۳۰۰۰ نفر مهاجر افغان ساکن دروازه فین، ۱۰۲ نفر بررسی شده‌اند.

از حدود ۳۰۰۰ نفر مهاجر افغان ساکن فین بزرگ، به علت پراکندگی گسترده مهاجران در این منطقه تنها ۶۳ نفر بررسی شده‌اند.

حدود ۵۰۰۰ نفر از مهاجران افغان، ساکن سایر مناطق شهر هستند. این مناطق شامل خیابان کارگر، خیابان طالقانی، میدان سنگ و پشت بازار و خیابان علوی است که به علت مشخص نبودن محل دقیق سکونت مهاجران فقط ۳۵ نفر مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع، ۳۵۰ نفر افغان در این تحقیق شرکت کرده‌اند. این اطلاعات تنها مربوط به مهاجران افغانی است که به صورت قانونی وارد ایران شده‌اند و در کاشان سکونت دارند. آنچه در این فصل بررسی می‌گردد نتایج به دست آمده از پرسش نامه‌های گردآوری شده از میان مهاجران افغان ساکن در شهر کاشان است.

به لحاظ سن نتایج نشان می‌دهد که از حدود ۳۵۰ مهاجر افغان حدود ۲/۳ درصد (۸ نفر) در سن ۲۰-۱۶ سال، ۲۴ درصد (۸۴ نفر) در سن ۳۰-۲۱ سال، ۳۱/۷ درصد (۱۱۱ نفر) در سن ۴۱-۳۰ سال و ۴۲ درصد

افزایش کودکان بی‌هویت است. اگر ابعاد هویت ملی را به ترتیب، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی مشخص سازیم، تضعیف یکی از ابعاد فوق می‌تواند به بحران هویت جمعی منجر گردد و یا حداقل آن را تحت تاثیر خویش قرار دهد، به طوری که با ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه و مهاجرت آنها به کشور شوهر خود می‌تواند تاثیرات و پیامدهای منفی ذیل را به همراه داشته باشد: الف) در بعد اجتماعی زنان و بانوان ایرانی و فرزندان آنها، با دوری و جدایی از هویت اجتماعی قبلی خویش و قطع ارتباط و آمیختگی با هویت جدید اجتماعی دچار بلاتکلیفی و سردرگمی می‌شوند و همین امر روابط اجتماعی افراد مذکور را متاثر ساخته، موجب بیگانگی اجتماعی، اختلالات هنجاری و تضعیف بعد اجتماعی هویت ملی می‌شود و بیشتر همبستگی‌های اجتماعی و روابط متقابل از هم فرو می‌پاشد؛ ب) بعد تاریخی: جدایی افراد از یک سرزمین و مهاجرت اجباری به سرزمین دیگر، انباشت آگاهی فرد را از گذشته تاریخی کشور و احساس مثبت نسبت به آن را از هم می‌گسلد و به نوعی فرد را دچار فراموشی تاریخی می‌نماید؛ ج) در بعد جغرافیایی تضعیف هویت ملی با مهاجرت فرد یا افراد از سرزمین آبا و اجدادی خویش آغاز می‌شود و بیشتر تعلقات و دلبستگی‌های فردی نسبت به سرزمین در طول زمان به بونه فراموشی سپرده می‌شود. با تغییر محیط جغرافیایی افراد وارد حوزه جدیدی از فضای اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی می‌شوند که هیچ انس و الفتی با آنها ندارد و به زمان زیادی برای انطباق آنها نیاز دارند و بر اثر همین امر اختلالات شخصیتی آنها بیشتر مجال بروز می‌یابد؛ د) بعد سیاسی: اگر چه تشخیص

درصد افغان‌های باسواد در افغانستان خیلی کمتر از ایران است که منشأ این تفاوت می‌تواند در دو چیز باشد: اول اینکه، افغان‌های مهاجر به ایران به احتمال قوی نسبت به دیگر افراد جامعه افغانستان تحصیلات بالاتری داشته‌اند؛ دوم اینکه، برای پناهندگان افغانی در ایران فرصت‌های تحصیلی جدیدی به وجود آمده است، که در اینجا مورد دوم تاثیر بیشتری داشته و همان تعداد اندک از مهاجران هم که دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر هستند، با تحصیل در شهر کاشان به این مدارج دست پیدا کرده‌اند.

از لحاظ مدت اقامت مهاجران افغان در ایران حدود ۷/۷ درصد از این افراد کمتر از ۵ سال در ایران اقامت دارند، ۲۱/۱ درصد از این مهاجران ۵ تا ۱۰ سال، ۳۵/۴ درصد ۱۱ تا ۲۰ سال و در نهایت ۳۵/۷ درصد از افراد مورد بررسی، بیش از ۲۰ سال در ایران اقامت داشته‌اند. اکنون می‌توان نتیجه گرفت که مهاجرت افغان‌ها به ایران سابقه‌ای بسیار طولانی داشته است که این امر آثار اقتصادی و اجتماعی خاص خود را به دنبال دارد.

۳-۲- تجزیه و تحلیل اطلاعات

۳-۲-۱- بررسی وضعیت ملیت همسران افغانیان مقیم کاشان

مهاجرت‌های بی‌رویه اتباع افغانی و ازدواج آنها با بانوان ایرانی دارای تبعات و پیامدهای منفی و خطرناکی است که در برخی موارد می‌تواند تهدیدکننده سلامت اجتماعی و امنیت ملی و دارای عوارض فرهنگی، اجتماعی و امنیتی باشد. یکی از تبعات امنیتی ازدواج دختران ایرانی با اتباع بیگانه،

سیاسی بیگانه و قبول مبانی ارزشی آنها مشکل خواهد بود.

مهمترین عوامل مؤثر در ازدواج بانوان ایرانی با اتباع بیگانه بدین شرح است: ۱- نبود آگاهی؛ ۲- فقر اجتماعی - فرهنگی و مالی؛ ۳- سوءاستفاده از احساسات خانواده‌ها؛ ۴- خلأ قانونی که باید با برنامه‌ریزی زمینه این‌گونه ازدواجها را کاهش دهد. از سوی دیگر مهمترین دلیل ازدواج مردان افغان با زنان ایرانی را می‌توان در آسان بودن شرایط ازدواج بانوان ایرانی نسبت به زنان افغانی، تمایل به اقامت دائم و به دست آوردن تابعیت ایرانی دانست.

وفاداری سیاسی افراد منوط به حضور آنها در داخل نظام سیاسی است و مهاجرت آنها از سرزمینی به سرزمین دیگر، این بعد از هویت ملی را بلاموضوع می‌سازد، با وجود این، یعنی ترک سرزمین مادری و ورود به سرزمین دیگر و هم‌نواسازی با نظام سیاسی آنجا هم مشکلاتی برای فرد و کشور مقصد به بار خواهد آورد، به طوری که هدف سیاسی هر دولتی رسیدن به اهدافی از پیش تعیین شده است و فردی که خود را بیگانه با اهداف آنها بداند، مشروعیت سیاسی و اهداف آن از نظر فرد مهاجر غریب جلوه خواهد نمود و به لحاظ روانی نیز وفاداری با نظام

جدول شماره ۱- بررسی وضعیت ملیت همسران افغانیان مقیم کاشان

نوع پاسخ	فراوانی	درصد
بی پاسخ	۱۰	۲/۹
همسر ایرانی	۵	۱/۴
همسر غیر ایرانی	۳۳۵	۹۵/۷
کل	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

دارد که بیانگر تجرد سرپرست خانوار یا طلاق و فوت همسر خانواده است.

۲-۲-۳- بررسی وضعیت شغل مهاجران افغان ساکن در کاشان

وضعیت اشتغال مهاجرین، همواره از مسائل مهم و جنجال برانگیز برای جامعه میزبان بوده است. آثار میزان اشتغال و بیکاری بر انحرافات اجتماعی و مسائل اقتصادی همواره مشاهده شده است. کارگران مهاجر برای یافتن کار با کارگران بومی رقابت می‌کنند. بدیهی است که کارفرمایان کارگرانی را استخدام می‌کنند که هزینه کمتری داشته باشند. اگر هزینه استخدام

در بررسی وضعیت همسران مهاجران افغان مقیم کاشان مطابق جدول شماره (۱) حدود ۱/۴ درصد از مهاجران افغانی؛ یعنی ۵ نفر از ۳۵۰ نمونه مورد بررسی دارای همسران ایرانی هستند. با وجود اینکه در ابتدا انتظار نمی‌رفت که در کاشان با ویژگی‌های خاص سستی چنین مواردی یافت شود، اما همین تعداد کم هم نشان دهنده قدرت نفوذ و تسلط افغان‌ها بر مردم و محیط اجتماعی آنان است. همچنین حدود ۹۵/۷ درصد از افغان‌ها دارای همسری افغانی هستند و حدود ۲/۹ درصد؛ یعنی ۱۰ نفر هم بی‌پاسخ وجود

۵۹). مهاجرت هزاران افغانی تاحد زیادی توازن نیروی کار و فرصت‌های شغلی ایجاد شده در ایران را به هم زده است. این مهاجران برای گذراندن زندگی، ناچار به اشتغال در هر نوع فعالیتی هستند. از طرف دیگر، به علت بالا بودن میزان بیکاری و شاید وجود موانع قانونی، فرصت اشتغال در نهادهای دولتی به این مهاجران داده نشده، لذا آنها به مشاغلی روی می‌آورند که کمتر تحت نظارت ارگانهای دولتی بوده است.

کارگر بومی بسیار بالاتر از کارگر مهاجر باشد، کارفرما ترجیح می‌دهد که کارگر مهاجر را استخدام کند. تنها زمانی کشور مهاجرپذیر از حضور کارگران مهاجر بهره مند خواهد شد که مهاجران نرخ دستمزد را کاهش دهند (Borjas, 1995: 1667)، زیرا در این زمان، کشور مهاجر پذیر از کاهش دستمزد و افزایش همزمان تولید و اشتغال سود می‌برد، ولی در چنین شرایطی درآمد کارگران بومی در نتیجه حضور نیروی کار مهاجر کاهش می‌یابد (کریمی موعاری، ۱۳۸۲):

جدول شماره ۲- بررسی وضعیت شغل مهاجران افغان ساکن در کاشان

درصد	فراوانی	نوع پاسخ
۴۰/۶	۱۴۲	کارگر ساده
۳۱/۷	۱۱۱	کارگر ساختمانی و بنا
۷/۱	۲۵	کشاورز
۴	۱۴	چاه کن
۲/۶	۹	مغازه دار
۲	۷	کفاش
۴	۱۴	بی کار
۸	۲۸	قالیباف، خیاط، کارگر کارخانه، روحانی، دستفروش و ضایعاتی
۱۰۰	۳۵۰	کل

ماخذ: نگارندگان

بخش اعظم مهاجران در ساختمان سازی و مشاغل آزاد به کار اشتغال داشته اند و مطابق جدول شماره (۲) یافته های تحقیق نیز نشان می‌دهد که از حدود ۳۵۰ نفر مورد بررسی ۴۰/۶ درصد؛ یعنی ۱۴۲ نفر کارگر ساده، ۳۱/۷ درصد (۱۱۱ نفر) کارگر ساختمانی و بنا، ۷/۱ درصد (۲۵ نفر) کشاورز و دامدار، ۴ درصد (۱۴ نفر) چاه کن، ۲/۶ درصد (۹ نفر) مغازه دار، ۲ درصد (۷ نفر) کفاش و ۸ درصد (۲۸ نفر) هم قالیباف، خیاط، کارگر کارخانه، روحانی، دستفروش، راننده و ضایعات

جمع کن هستند. همچنین ۱۴ نفر؛ یعنی حدود ۴ درصد افراد مورد بررسی هم بیکار هستند. آنچه مشخص است، این است که بیشتر این افراد در کارهای سخت و طاقت فرسای یدی و فیزیکی که از نظر اجتماعی پایگاه مناسبی ندارد و از نظر اقتصادی هم درآمد چندانی ندارد، مشغول به کار هستند، اما نکته قابل توجه در این میان، تعداد اندک بیکاران است که از حدود ۳۵۰ نفر تنها ۱۴ نفر از آن‌ها شغلی ندارند. البته، علت بیکاری اکثر این افراد کهولت سن و

پروژه‌های علمی و مطالعات فرسنگی
تولید علم از طریق

مکان را به دنبال می‌آورد. خانواده‌هایی که دارای منزل شخصی و ملکی بوده‌اند، احساس وابستگی و تعلق بیشتری به مکان کنونی زندگی خود داشته‌اند و این امر به قوام اندیشه دایمی بودن مهاجرت در آنها افزوده است. بدیهی است هرچه دوره زمانی مهاجرت طولانی‌تر شود و مهاجران قادر به ساختن یا خرید مسکن شخصی شوند، وابستگی مادی آنها به ایران بیشتر خواهد شد. این امر در نسل دوم مهاجران و کسانی که در ایران به دنیا آمده و جامعه پذیر شده‌اند، نمود بارزتری داشته است.

بیماری و عدم توانایی آنان تشخیص داده شد. می‌توان نتیجه گرفت که تا حدود زیادی علت بیکاری افراد شهر کاشان حضور فعال افغان‌ها در همه زمینه‌های کاری است. نتایج فوق نشان می‌دهد که مهاجرت افغان‌ها به شهر کاشان باعث افزایش بیکاری در سطح شهر شده است.

۳-۳-۳- بررسی وضعیت مسکن مهاجران افغان ساکن در کاشان

مسکن در بازگشت یا ابقاء خانواده‌های مهاجر افغانی نقش داشته است، چرا که برخورداری از مسکن شخصی امنیت روانی و احساس تعلق به یک

جدول شماره ۳- بررسی وضعیت مسکن مهاجران افغان ساکن در کاشان

نوع پاسخ	فراوانی	درصد
شخصی	۲۱	۶
اجاره ای	۲۹۰	۸۲/۹
رهنی	۳۹	۱۱/۱
کل	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

مشکلاتی را به وجود آورده‌اند، شهر کاشان را نیز تبدیل به کابلی دیگر کنند.

حدود ۸۲/۹ درصد از مهاجران افغان (۲۹۰ نفر) در خانه‌های اجاره‌ای و ۱۱/۱ درصد (۳۹ نفر) هم در خانه‌های رهنی زندگی می‌کنند. نفر از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که مشکل کمبود مسکن و افزایش نرخ اجاره در سطح شهر با تعداد خانه‌هایی که تحت تملک مهاجران افغان قرار دارد، کاملاً ارتباط دارد.

۳-۳-۴- بررسی وضعیت همراهان مهاجران مهاجرت‌ها را از نظر تعداد افراد مهاجر می‌توان به شکل زیر طبقه بندی نمود:

همان‌طور که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، در میان جمعیت نمونه تحقیق حدود ۲۱ نفر؛ یعنی ۶ درصد از مهاجران افغان مقیم کاشان دارای خانه شخصی هستند، این در حالی است که طبق قانون، مهاجران افغان نمی‌توانند ملکی را رسماً به تملک خویش در آورند. این افراد خانه‌های شخصی خود را به نام یک ایرانی مورد اعتماد خویش خریداری می‌کنند. گسترش این قضیه پیامد خوبی را برای شهر در پی نخواهد داشت، زیرا ممکن است در طی سال‌های آینده، افغان‌ها بر زمین‌ها و املاک زیادی تسلط پیدا کنند و همان‌طور که در شهرهای مرزی ایران

- مهاجرت خانوادگی که در آن خانواده به عنوان واحدی واحد مستقل عمل می‌کند.
- مهاجرت فردی که در آن مهاجران به صورت انفرادی زادگاه خود را ترک می‌کنند (ماهر، ۱۳۶۹، ص ۸۳).

- مهاجرت برنامه ریزی شده که بر مهاجرت ناشی از برنامه ریزی یک سازمان دلالت دارد.
- مهاجرت انبوه که در آن مهاجران به طور انبوه دست به مهاجرت می‌زنند.
- مهاجرت جمعیتی که در آن مهاجرت در گروه‌های فAMILIARY تحقق می‌پذیرد.

جدول شماره ۴- بررسی این وضعیت که مهاجران افغان با چه کسانی مهاجرت کرده‌اند

نوع پاسخ	فراوانی	درصد
فردی	۹۱	۲۶
خانواده	۲۵۷	۷۳/۴
آشنایان و فامیل	۲	۰/۶
کل	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که خانواده‌های ۱ تا ۴۱ نفره، ۳۱/۱ درصد (۱۰۹ مورد)، خانواده‌های ۵ تا ۷ نفره، ۵۰ درصد (۱۷۵ مورد) و خانواده‌های بیش از ۷ نفر، ۱۸/۹ درصد (۶۶ مورد) از کل نمونه مورد بررسی در این تحقیق را شامل می‌شود. با توجه به اطلاعات فوق خانواده‌های ۷-۵ نفره بیشترین تعداد فراوانی را دارند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که حدود ۷۰ درصد از مهاجران افغان دارای خانواده‌هایی پرجمعیت هستند که این مطلب خود باعث افزایش جمعیت شهر کاشان می‌شود.

براساس جدول شماره (۴) داده‌های تحقیق نشان دهنده این است که ۷۳/۴ درصد از مهاجران افغان همراه با خانواده خود مهاجرت کرده‌اند و تنها ۲ نفر (۰/۶ درصد) همراه با دوستان و آشنایان خود دست به مهاجرت زده‌اند. حدود ۹۱ نفر هم (۲۶ درصد) از نمونه مورد بررسی به صورت تنها مهاجرت کرده‌اند. بنابراین، از میان اشکال فوق، اشکال مهاجرت خانوادگی و فردی بیشترین سهم را در مهاجرت افغانیان به ایران به خود اختصاص داده است.

۳-۵- بررسی وضعیت بعد خانوار مهاجران افغان ساکن در کاشان

جدول شماره ۵- بررسی وضعیت بعد خانوار مهاجران افغان ساکن در کاشان

نوع پاسخ	فراوانی	درصد
۱-۴ نفر	۱۰۹	۳۱/۱
۵-۷ نفر	۱۷۵	۵۰
بیش از ۷ نفر	۶۶	۱۸/۹
کل	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

درصد بیش از ۳ فرزند متولد ایران دارند و ۱۳/۱ درصد یا فرزند ندارند و یا فرزندانشان در ایران متولد نشده‌اند. میزان بالای فرزندان متولد ایران به خوبی نمایانگر افزایش جمعیت در سطح شهر است.

۳-۳-۶- بررسی تعداد فرزندان مهاجران افغانی متولد شده در ایران
جدول شماره (۶) نشان دهنده تعداد فرزندان متولد ایران مهاجران افغان است که حدود ۵۳/۴ درصد از مهاجران افغان ۳-۱ فرزند متولد ایران دارند و ۳۳/۴

جدول شماره ۶- تعداد فرزندان مهاجران افغانی متولد شده در ایران

نوع پاسخ	فراوانی	درصد
بی پاسخ	۴۶	۱۳/۱
۱-۳ نفر	۱۸۷	۵۳/۴
بیش از ۳ نفر	۱۱۷	۳۳/۴
کل	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

مهاجران افغانی حضور در ایران تاثیر بسزایی در ارتقای سطح تحصیلات فرزندان آنها داشته است. با توجه اقامت نسبتاً طولانی مهاجران افغانی در ایران، می‌توان اذعان داشت که اکثر آنهايي که دارای سواد و آموزش رسمی بوده‌اند، بعد از مهاجرت به ایران به کسب تحصیل و سواد گرایش پیدا کرده‌اند.

۳-۳-۷- بررسی وضعیت تعداد فرزندان محصل و غیرمحصل مهاجران افغان ساکن در کاشان
یکی از نتایج بسیار ارزشمندی که اقامت در ایران برای مهاجران افغانی داشته است، استفاده از امکانات تحصیلی ایران بوده است که باعث ارتقای سطح تحصیلات فرزندان آنها شده است. به گفته خود

جدول شماره ۷- تعداد فرزندان محصل و غیرمحصل مهاجران افغان ساکن در کاشان

نوع پاسخ	تعداد فرزندان غیرمحصل		تعداد فرزندان محصل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بی پاسخ	۷۲	۲۰/۶	۱۲۹	۳۶/۹
۱-۳ نفر	۲۲۷	۶۴/۹	۱۶۳	۴۶/۶
۴-۶ نفر	۴۴	۱۲/۶	۵۵	۱۵/۷
بیش از ۶ نفر	۷	۲	۳	/۹
کل	۳۵۰	۱۰۰	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

۶-۴ فرزند و ۲ درصد از کل مهاجران مورد بررسی بیش از ۶ فرزند غیرمحصل دارند. همچنین، ۲۰/۶

داده‌ها نشان‌دهنده آن است که ۶۴/۹ درصد ۳-۱ فرزند غیرمحصل و ۱۲/۶ درصد از نمونه مورد بررسی

بهترین شکل استفاده می‌کنند. با این حال، نرخ بیسوادی در بین آنان نیز، برابر با ۷۹/۵ درصد است. ۳-۳-۸- بررسی وضعیت درآمد مهاجران افغان ساکن در کاشان

فراوانی مربوط به میزان درآمد مهاجران افغان در ماه در جدول شماره (۸) نشان داده شده است. افرادی که درآمدی کمتر از ۵۰ هزار تومان دارند، ۴ درصد (۱۴ نفر)، افرادی که درآمدی از ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان دارند ۴/۶ درصد (۱۶ نفر)، افرادی که درآمدی از ۱۰۱ تا ۲۰۰ هزار تومان دارند، ۲۰ درصد (۲۰ نفر)، افرادی که درآمدی از ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان دارند، ۳۵/۴ درصد (۱۲۴ نفر) و افرادی که در ماه ۳۰۰ هزار تومان به بالا درآمد دارند، ۵۰/۳ درصد (۱۷۶ نفر) هستند.

جدول شماره ۸- بررسی وضعیت درآمد مهاجران افغان ساکن در کاشان

نوع پاسخ	فراوانی	درصد
کمتر از ۵۰ هزار تومان	۱۴	۴
۵۰-۱۰۰ هزار تومان	۱۶	۴/۶
۱۰۱-۲۰۰ هزار تومان	۲۰	۵/۷
۲۰۱-۳۰۰ هزار تومان	۱۲۴	۳۵/۴
بیش از ۳۰۰ هزار تومان	۱۷۶	۵۰/۳
کل	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

تأثیرگذار هستند. اطلاعات فوق، تأثیر مهاجران افغان در گسترش فقر در سطح شهر کاشان را تأیید می‌کند. ۳-۳-۹- بررسی وضعیت فرستادن پول به افغانستان مهاجران افغان ساکن در کاشان

همان طور که ذکر شد، بعد خانوارهای افغانی در ایران بسیار کوچکتر از بعد خانوارهای افغانی ساکن در کشورشان است که این نشان می‌دهد تعداد زیادی

درصد یا فرزند نداشته و یا همه فرزندانشان محصل بوده اند. طبق اطلاعات فوق، مهاجرانی که فرزند غیرمحصل دارند، بیشترین فراوانی را داشته که موجب افزایش نرخ بی سواد و پایین آمدن سطح فرهنگی جامعه می شود.

همچنین جدول شماره (۷) داده‌های مربوط به تحصیلات فرزندان نشان می دهد که ۳۶/۹ درصد از مهاجران یا اصلاً فرزند نداشته اند و یا فرزند محصل نداشته اند و ۶/۶ درصد ۱-۳ فرزند محصل، ۱۵/۷ درصد ۴-۶ فرزند محصل و ۰/۹ درصد مهاجران بیش از ۶ فرزند محصل دارند. با وجود نرخ ۴۸/۳ درصدی بیسوادی مهاجران افغان ۶۱/۹ درصد از فرزندان این مهاجران محصل هستند. این قضیه نشان می دهد که مهاجران افغان از امکانات آموزشی شهر کاشان به

از آمار فوق می توان نتیجه گرفت با اینکه تقریباً همه افغان‌های ساکن در کاشان به کارهای سطح پایین مشغول هستند، ولی تقریباً بیش از نیمی از آنان ماهیانه درآمدی قابل توجه به دست می‌آورند که به خاطر سخت کوشی آنان در کارشان است. با وجود این، هنوز هم از نظر پایگاه اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند و تا حدودی در گسترش فقر در سطح شهرستان

از میزان ارز ارسالی به افغانستان از ایران تقریباً غیر ممکن است. برای مثال، اگر فرض کنیم یک میلیون نیروی کار افغانی در ایران وجود داشته باشند و هر نفر سالانه ۲۰۰ تا ۶۰۰ دلار آمریکا ارز به افغانستان ارسال کند، به رقم ۲۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار به عنوان کل سرمایه خروجی ناشی از نیروی کار افغانی می‌رسیم، که بی‌شبهت به رقم تخمینی بانک مرکزی نیست.

با توجه به جدول شماره (۹) بررسی وضعیت فرستادن پول به افغانستان مهاجران افغان ساکن در کاشان بیانگر این است که حدود ۲۹۳ نفر؛ یعنی ۸۳/۷ درصد از افراد مورد بررسی در این تحقیق درآمد خود را به افغانستان می‌فرستند و فقط حدود ۱۶/۳ درصد افراد پولی به کشور خود ارسال نمی‌کنند.

از افغان‌ها به ایران آمده‌اند تا کار کنند و درآمدشان را برای خانوادشان در افغانستان بفرستند. همچنین، در میان افغانهای مقیم ایران تعداد زنان کمتر از مردان است. این امر به نوبه خود نشان می‌دهد که به احتمال قوی میزان قابل توجهی ارز از ایران به افغانستان ارسال می‌شود، متأسفانه آمار دقیقی در مورد میزان وجوه ارسالی وجود ندارد. به عقیده مسؤلان بانک مرکزی ایران، میزان خروج ارز توسط نیروهای خارجی در ایران حدود ۳۰۰ میلیون دلار است (علاءالدینی، ۱۳۸۴: ۱۴). از سوی دیگر، مهاجران افغانی اغلب از بازار سیاه ارز خارجی می‌خرند و به کشورشان ارسال می‌کنند؛ به طوری که کل پول انتقال داده شده به افغانستان از طریق سیستم حواله دارها؛ یعنی سیستم صرافی غیررسمی است (Munzele, 2003). بدین ترتیب، به دست آوردن برآوردی دقیق

جدول شماره ۹- بررسی وضعیت فرستادن پول به افغانستان مهاجران افغان ساکن در کاشان

نوع پاسخ	فراوانی	درصد
بلی	۲۹۳	۸۳/۷
خیر	۵۷	۱۶/۳
کل	۳۵۰	۱۰۰

ماخذ: نگارندگان

شده در ایران را بر هم زده است. این مهاجران برای گذراندن زندگی، ناچار به اشتغال در هر نوع فعالیتی هستند. بیشتر این افراد در کارهای سخت و طاقت فرسای یدی و فیزیکی که از نظر اجتماعی پایگاه مناسبی ندارد و از نظر اقتصادی هم درآمد چندانی ندارد، مشغول به کار هستند، اما نکته قابل توجه در این میان، تعداد اندک بیکاران مهاجران افغانی است که می‌توان نتیجه گرفت، تا حدود زیادی علت بیکاری

۴- نتیجه گیری

طبق اطلاعات آماری که از طریق این پژوهش و تحقیق علمی به دست آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که مهاجرت افغان‌ها به ایران پیامدهای زیادی را برای کشور در پی داشته است. یکی از این پیامدها تأثیرات اقتصادی مهاجران افغانی بر کشور ایران است، چرا که از یک سو، مهاجرت هزاران افغانی تا حد زیادی توازن نیروی کار و فرصت‌های شغلی ایجاد

سازیم، تضعیف یکی از ابعاد فوق می‌تواند به بحران هویت جمعی منجر گردد و یا حداقل آن را تحت تاثیر خویش قرار دهد. از طرف دیگر، با توجه به اطلاعات به دست آمده، می‌توان گفت که حدود ۷۰ درصد از مهاجران افغان دارای خانواده‌هایی پرجمعیت هستند که این مطلب خود باعث افزایش جمعیت شهر کاشان می‌شود.

همچنین، آمار بالای تعداد بیسوادان در بین مهاجران افغان نشان دهنده سطح آگاهی و فرهنگ آنان است که این قضیه از نظر اجتماعی و فرهنگی تبعات منفی زیادی را برای جامعه کاشان در پی دارد و از سوی دیگر، اکثر آنهایی که دارای سواد و آموزش رسمی بوده‌اند، بعد از مهاجرت به ایران به کسب تحصیل و سواد گرایش پیدا کردند که این امر نشان می‌دهد که مهاجران افغان از امکانات آموزشی ایران، بویژه شهر کاشان به بهترین شکل استفاده می‌کنند. از نظر پایگاه اقتصادی اکثر مهاجران در سطح پایینی قرار دارند و تا حدودی در گسترش فقر در سطح شهرستان تأثیرگذار هستند. به همین دلیل، گروهی معتقدند که برای حل این مشکلات باید مهاجران افغانی به کشور خود بازگردانده شوند، چراکه با گذشت زمان خانواده‌های افغانی دیگر به بازگشت به افغانستان - که در مقایسه با ایران سطح رفاه در آن پایین است - تمایلی نخواهند داشت. این تحقیق تنها گوشه‌ای از پیامدهای منفی حضور این مهاجران را در سطح شهر کاشان نشان می‌دهد.

افراد شهر کاشان، حضور فعال افغان‌ها در همه زمینه‌های کاری است. از سوی دیگر، به علت ارسال پول از سوی مهاجران موجب خروج ارز، آن هم به صورت غیر قانونی از کشور می‌شود. همچنین خرید زمین و مسکن به وسیله مهاجران افغانی پیامد خوبی را برای شهر در پی نخواهد داشت، زیرا ممکن است در طی سال‌های آینده افغان‌ها بر زمین‌ها و املاک زیادی تسلط پیدا کنند و همان طور که در شهرهای مرزی ایران مشکلاتی را به وجود آورده‌اند، شهر کاشان را نیز تبدیل به کابلی دیگر کنند. از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که مشکل کمبود مسکن و افزایش نرخ اجاره در سطح شهر، با تعداد خانه‌هایی که تحت تملک مهاجران افغان قرار دارد، کاملاً مرتبط است.

از دیگر پیامدهای حضور مهاجران افغانی، تاثیرات اجتماعی آنها بر کشور و شهر کاشان است. یکی از مهمترین تاثیر این مهاجران، ازدواج آنها با بانوان ایرانی است که دارای تبعات و پیامدهای منفی و خطرناکی است. در کاشان حدود ۱/۴ درصد از مهاجران افغانی دارای همسران ایرانی هستند. با اینکه در ابتدا انتظار نمی‌رفت که در کاشان با وجود ویژگی‌های خاص سنتی چنین مواردی یافت شود، اما همین تعداد کم هم نشان دهنده قدرت نفوذ و تسلط افغان‌ها بر مردم و محیط اجتماعی آنان است که در برخی موارد می‌تواند تهدیدکننده سلامت اجتماعی و امنیت ملی و دارای عوارض فرهنگی، اجتماعی و امنیتی باشد. یکی از تبعات امنیتی ازدواج دختران ایرانی با اتباع بیگانه، افزایش کودکان بی‌هویت است. اگر ابعاد هویت ملی را به ترتیب، اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی مشخص

منابع

- خباز بهشتی، زهرا. (۱۳۸۰). مهاجرت: بررسی مشکلات مهاجران، تهران: آشیانه کتاب.
- خبرگزاری ایرنا. (۱۳۸۷). هزار میلیارد ریال یارانه برای افغانها.
- خیرخواه، طاهره. (۱۳۸۶). بررسی حساسیت بین فرهنگی مهاجران افغانی و ایرانیان نسبت به یکدیگر بر اساس انگاره های ذهنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- روزنامه صدای عدالت. (۱۳۸۷). ۱۲/۵ میلیون درصد جمعیت افغانستان مقیم ایران
- روزنامه همشهری. (۱۳۸۵). بازگشت برای صلح.
- زنجانی، حبیب الله. (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: سمت، ص ۱۲۹.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- سجاد پور، محمد کاظم. (۱۳۸۴). چهارچوب مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین المللی؛ مطالعه موردی ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۸۷، ص ۱۰.
- شاطریان، محسن. (۱۳۸۸). تحولات فضایی جمعیت شهرستان کاشان در نیم سده اخیر (۱۳۸۵-۱۳۳۵)، انتشارات دعوت، ص ۳۱.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۷۲). مبانی جمعیت شناسی، تهران: نشر سفیر.
- علاءالدینی، پویا و امامی، یحیی. (۱۳۸۴). جهانی شده، مهاجرت و فقر در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۱۴.
- کریمی موعاری، زهرا. (۱۳۸۲). تاثیر مهاجرین افغانی بر سطح دستمزد و اشتغال در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ش ۱۸، ص ۵۹.
- حمدی موحد، محمد. (۱۳۸۲). «ویژگی های جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی مهاجران خارجی؛ با تاکید بر مهاجرین افغانی در ایران»، فصلنامه جمعیت، ش ۴۳، ص ۲۶.
- بریگو، اندره و روا، اولیور. (۱۳۶۷). جنگ افغانستان، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، بی جا: انتشارات آستان قدس رضوی.
- تقوی، نعمت الله. (۱۳۷۱). مبانی جمعیت شناسی، انتشارات نیا.
- تودارو، مایکل. (۱۳۶۴). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات کوهسار، ص ۲۶۰.
- جرنی، جی. دی. (۱۳۶۷). مهاجرت و توسعه روستایی، ترجمه فرهاد ماهر، مرکز تحقیقات روستایی، ص ۵۸.
- جلالیان، حمید و محمدی پگانه، بهروز. (۱۳۸۶). «تحلیل عوامل جغرافیایی موثر در مهاجرت های روستایی شهرستان زنجان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵»، مجله پژوهش های جغرافیایی، ش ۶۱، ص ۸۹.
- جمشیدیه، غلامرضا و دیگران. (۱۳۸۳). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، ش ۲۳، ص ۶۸.
- جمشیدیه، غلامرضا و علی بابایی، یحیی. (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر بازگشت مهاجرین افغانی با تکیه بر ساکنین شهرک گلشهر مشهد، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، ص ۷۲.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۷۵). روش تحقیق در علوم انسانی، سمت، ص ۱۱۹.

- Borjas, George, J (1995) The Economic Benefits From Immigration. Journal of Economic Literature. No32, P1667
- Cairn cross, J (1980) Population and Agriculture in the Development countries. F. A. O
- Chandra, R. C and Manj, S (1980) introduction to Population Geography, kalian. Publisher
- Collinson, S (1999) Globalization and the Dynamic of International Migration: Implication for Refugee Regime, New Issues in Refugee Research, Waking Paper, No1 (Geneva: UNCHR)
- Fawcett, T. James et al (1982) Reason for Moving and migration Behavior, World Development, Vol. 10, No. 4, P 109
- Harris J. R. and Todaro M. P (1970) Migration, Unemployment and Development: A Tow- Sector Analysis in American Economic Review, 60
- Herbele, R (1938) The Causes of Rural-Urban Migration: A Survey of German Theories, American Journal of Sociology, No 43
- IMO (2005) World Migration Report 2005, Geneva: IMO
- Mobbrucker, H (1997) Amerindian Migration in Peru and Mexico, in Cities in the Developing World: issues. Theory and Policy, Edi by J. Gugler, Oxford University Press
- Munzele, s (2003) The Money Exchange Dealers of Kabul: A Study of the Hawala System in Afghanistan, World Bank Working Paper, No. 13
- Portez, A (1978) Migration and Underdevelopment, Politics and Society, Vol8, No1
- Teitelbaum, m. and Winter, J. (1998) A Question of Numbers: High Migration, Low Fertility, and the Politics of national Identity, New York
- Totomorn, M. and Alicea, M. (2004) Migration and Immigration: A Global View. (Westport: Greenwood Press)
- UNHCR (2003) Afghanistan Refugees Return to Uncertain Future. Internet news, jan,22
- www.asriran.com
- لهسائی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، تهران: نشر نوید.
- لوئیس، آرتور. (۱۳۶۸). نظریه آرتور لوئیس، کتاب پیشگامان توسعه، مترجم علی اصغر هدایتی، سمت.
- لی، اورت. (۱۳۶۸). «یک نظریه مهاجرت»، ترجمه بیژن زارع، گردآورنده: عبدالعلی لهسائی زاده، نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید، ص ۵۲.
- ماهر، فرهاد. (۱۳۶۹). تاثیر کارگران افغانی برکشاورزی در ایران، وزارت جهاد کشاورزی، ص ۱۰.
- محقق، جواد. (۱۳۷۷). نگرشی نوبه پدیده مهاجرت افغانیها در ایران، ماهنامه پیامبر، سال دوم، ش ۸.
- مزیدی، احمد و زارع شاه آبادی، علیرضا. (۱۳۸۵) دلایل حضور مهاجرین روستایی در شهر یزد و وضعیت آنها، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ش ۷، ص ۱۴۸.
- موبوگنج، اکلین. (۱۳۶۸). رهیافت سیستمی در مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر، ترجمه حمید خضر نجات، گردآورنده: عبدالعلی لهسائی زاده، نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید، ص ۱۴۷.
- وحیدی، پریدخت. (۱۳۶۴). مهاجرت بین المللیو پیامدهای آن، سازمان برنامه و بوجه.
- Baker, C. M. F and Morrison A. (1997) Public Policy and Rural- Urban Migration, in Cities in the Developing World, Edi by J. Gugler, Oxford University Press
- Bilsborrow, R. E. F (1984) Migration Survey in Low Icon Count, ries, Australia. Sydney Greom Helm.